

از ما بهتران را بپذیر
 برای دانش‌های از پیش، پس اندازم
 که سوال در طریقت به تزلزل می‌زند
 به هرچه کنارش نمی‌زنی، بپذیر!
 من را به حصول غیبتی موصول نیست
 خواه مقیم باشی خواه قیامتی در تن‌ها
 سند اتصال ایشانی به همان‌گونه
 که جاری، استعاره‌اش نمی‌شود
 حتی ثبت است غیبتی که وصال
 و هایش را

ل‌هایش را

۲

پس داده به همان‌گونه
 که در عکس‌ها رنگ، بی حضورش پیدا نیست
 و از آن‌جا تا و از آن‌جا تا
 چه فرقی دارد نامفروقات عالم حالا
 برای عالم بالا
 که تفریق در اتصال
 به هر چه قبول است عبارت است
 از بی آن‌که حتی ثبت
 حتی تثبیت می‌کنم که صدا اگر بدارد
 چنان بیابیدم تا بدارم‌تان نه آویزان از جاری و
 از جایی که مقیمم به نیزه‌هایی از قرون گذشته
 که با دست خویش نبشته به هوا
 سند اتصال ایشان در تن‌ها را پیچیده چنان
 که خود نیز، نیز شده
 پس پایان حرف‌ها در خواب نقطه بگذارید
 که تمامی حتی اگر حرف نباشند پایان می‌پذیرند
 و می‌پذیرند دلالت بر او دارند
 بی‌حتی بی‌اگر بی‌ندارند

این‌جا اشیا به تمامی در «یا» می‌مانند
 در «آ» نقطه می‌زنند و
 نخستین ندارند
 نه صادر می‌شناسند نه آشنا
 به صورتی البته هستند
 یاد شده‌اند

ذات‌های بی‌حد شده حاد شده‌اند
 الحاد الحاد بر شما که نورالانوار راهی به دل‌هاست
 در «ل» ماندگار! در مباش مبدا باش که عبارت ندارم
 اشارت اصلاً به منزل نمی‌روم
 به تنزل چه می‌شوم
 تن می‌سازم از باطن که نقطه‌ی «ب»
 هستم شده این‌جا همه از هم جدا جدا
 دارند این‌جا را جدا می‌کنند از در
 می‌خواهند سر درآورند از سرالاسرار

هیچ وقت

در نبودید

نبودید درباره‌ی شما دویدم

واردش شدم

درباره‌ی شما وقت‌ام نمی‌شد باز

به کجا می‌شدند به کجا سائیرین‌ام

انسان

در کلمه‌ای که شنیده نمی‌شودم

فقط به سمتی دویده‌ام که قبلاً رسیده‌ام به کجا

و طولی نمی‌کشد که ابتدا در ابتدا طولانی شود

همه چیز در پایان

انسان شنیده نمی‌شود

صدایش را بالا می‌برد

دست‌اش را رد و بدل می‌کند

اما بین ما مدت نمی‌گذرد

فقط رواج را جار می‌زنیم

جارو می‌کنیم همه چیز را

در زیر و بم

رفتار مبرم می‌شود

درخت می‌شود خودش را بررسی می‌کند

تا به دیگران بر بخورد

در هرچه شنیدن‌اش مشکل شده است

۴

افراد شده از تمامم

نه توقع دارم نه واقعی

برابر آمده‌ام که با یکدیگر رفتارم کنند

بدون هیچ گونه‌ای به ویژه از هر نظر

یا هر نظر دیگر

همه‌جا به‌عنوان مساوی هستم

بدون هیچ یکسانی صورت می‌گیرم

که حاضر باشد در مقابل هر فرض

توی خودم ثابتم کرده‌اند

کلمات را بیرون می‌کشم

حساب پس نمی‌دهم به کسی شدیدتر

از این‌جا

آن‌جا در معرضم

روبه‌رو را پشت سر می‌گذارم

مدت عریض می‌شود

چند مختلف داشته‌ام یا بلافاصله بوده‌ام

گیج‌م می‌کند به یاد آوردن از یادم می‌رود

تعدادی روی می‌دهد روی تعدادی

گیج‌م می‌کند مدت

مهلت بوده حالا هلت می‌دهد

به پشت سر

به عقب نه به عواقب قطع می‌کنم یکدیگر را

روبه‌رو می‌شوم با هم

تعقیب می‌کنم حلق را

به طناب ملحق کرده‌اند